

روش پژوهش در تاریخ

• دکتر ستار عودی
دانشیار گروه تاریخ بنیاد دایره المعارف اسلامی

بحث و بررسی موضوع «روش تحقیق در تاریخ» چندان آسان نیست؛ چراکه ورود به این حوزه به منزله‌ی گذر از قلمرو علم و گام نهادن در عرصه‌ی فلسفه‌ی علم است که به معنای پیوند دو حوزه‌ی مهم هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی است، زیرا روش‌شناسی تاریخی راه‌های علمی پژوهش، نقادی، تفسیر و تبیین تاریخ را می‌کاود، در جایگاهی فراتر از علم تاریخ قرار می‌گیرد و در واقع ناظر بر علم تاریخ است. از این رو، هنگامی که به «روش تحقیق» می‌اندیشیم، به میدان گسترده‌ای گام نهاده‌ایم که افق‌های آن بسیار وسیع و دور از دسترس‌اند. افق‌هایی که گشودن‌شان مستلزم آشنایی کافی با حوزه‌هایی چون: شناخت مبانی و مقدمات علم تاریخ، فلسفه‌ی نظری تاریخ، فلسفه‌ی علم تاریخ، تاریخ‌نگری و روش‌های متنوع و متحول پژوهش در گذشته و امروز، منبع‌شناسی و دستاوردهای نظری علوم کمکی تاریخی یا مطالعات بین‌رشته‌ای و مانند آن‌هاست.

بنابراین، پژوهشگران «روش تحقیق در تاریخ» به قلمروی قدم نهاده‌اند که حدود و دامنه‌ی آن به درستی روشن نیست؛ چراکه موضوعات مورد مطالعه‌ی مورخان از عرصه‌ی تنگ سیاست گذر کرده و به همه‌ی حوزه‌های متزاید زندگی گذشته‌ی بشر جاری شده است؛ بیش و روش تاریخ‌نویسی دگرگون شده و تلقی‌ها و انتظارات جدیدی از علم تاریخ شکل گرفته است. از همین رو، در پرتو مکاتب تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری جدید، روش‌شناسی تاریخی متحول شده است.

با توجه به این امر، پژوهشگر این عرصه از خود می‌پرسد که باید از روش تحقیق در تاریخ سخن بگوید یا از روش‌های تحقیق در تاریخ؟ تردیدی نیست که مکاتب گوناگون از روش‌های گوناگون در مطالعات تاریخی سخن گفته‌اند. این روش‌ها از انگاره‌های پوزیتیویستی عهد روشنگری آغاز می‌شود و با روش‌های متنوعی چون همدلی، تبیین‌های فردگرا، جمع‌گرا، ساختارگرا، تبیین‌های تبارشناسانه، روش‌های مارکسیستی، ویگی، آنالی و هرمنوتیک با شعبات آن از دیلتای تا گادامر و نیز نگرش‌های انکارآمیز پست‌مدرن‌ها در دستیابی به حقیقت تاریخی و مانند آن‌ها تداوم یافته است.

در باب تاریخ نیز دو نوع معرفت وجود دارد: نخست علم تاریخ که ناظر بر شناخت، بررسی، بازآفرینی و تحلیل رخدادهای گذشته بشر است که در عالم واقع به وقوع پیوسته‌اند، و دوم «فلسفه‌ی تاریخ» که به‌طور کلی

روش‌شناسی به بررسی روش‌های شناخت در علوم می‌پردازد که می‌تواند تمامی جوانب شناخت را شامل شود. روش‌شناسی در معنای وسیع کلمه شناخت نظری و عملی روش آشکارسازی واقعیت است

روش پژوهش

و از اساس با «علم تاریخ» تفاوت دارد و به جای بررسی رخدادهای گذشته به بررسی و تحلیل علم تاریخ، به‌ویژه روش‌ها، برهان‌ها، شیوه‌های تبیین، علیت و عینیت و مانند آن‌ها، در علم تاریخ می‌پردازد (همو، ص ۱۹).

از آن‌جا که هدف کلی در تحقیق علمی، شناخت حقیقت است، پس برای این شناخت، ناگزیریم که راه و روش وصول به حقیقت را فرا گیریم، از این رو نیازمند آشنایی با روش تحقیق علمی هستیم (نبوی: ۱۳۸۲، صص ۱-۵)

انسان برای رسیدن به هدف و تحقق بخشیدن به نیاز اصلی‌اش یعنی تحقق بی‌نهایت‌طلبی، به دنبال شناخت و کسب دانش می‌رود این تلاش‌ها و کنجکاوی‌ها و علت‌یابی‌ها، تجلی بی‌نهایت‌طلبی و معرفت‌جویی فطری انسان‌هاست (کریمی: ۱۳۵۹، صص ۱۱-۱۳؛ حافظ‌نیا: ۱۳۸۲، ص ۱۰).

پژوهش علمی در هر رشته، از اصول و آموزه‌های معرفتی خاصی پیروی می‌کند که موفقیت در آن نیازمند آشنایی با روش‌شناسی تحقیق در آن علم است. تحقیق علمی عبارت است از تلاش کاوشگرانه‌ای که با آدابی خاص و به طرز نظام‌یافته‌ای با هدف کشف مجهول و به منظور گسترش قلمرو معرفتی بشر صورت می‌گیرد. این تلاش می‌تواند در همه‌ی حوزه‌های مادی، انسانی و الهی انجام گیرد (حافظ‌نیا: ۱۳۸۲، ص ۱۲).

پژوهشگران برای «روش» تعاریف گوناگونی ارائه داده‌اند که از آن جمله: مجموعه‌ای از تلاش‌ها، فنون، مهارت‌ها و ابزارهاست که رسیدن به هدف را ممکن و آسان می‌سازد، یا خط‌مشی معقول و منظم برای دستیابی به هدفی معین است یا راه درست و منظم برای نتیجه‌گیری‌های صحیح است و یا استدلالی است که به کمک آن، انسان افکار خود را به‌نحوی صحیح در محل آزمایش قرار می‌دهد و یا مجموعه‌ی وسایل و طرقی است که وصول به هدف را آسان می‌سازد (محدثی: ۱۳۷۵، ص ۶۷؛ یوسفی: ۱۳۷۵، ص ۱۶۹).

ازسوی دیگر، روش‌های علمی مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های صریح و روشن و در حال تکامل‌اند که معمولاً ادعای علمی بودن آن‌ها با همان دستورالعمل‌ها ارزیابی می‌شوند. این دستورالعمل‌ها از دو جهت حائز اهمیت‌اند: نخست، زمینه‌ی ارتباطات علمی را میان پژوهشگران و دانشمندان برای درک مشترک فراهم می‌آورند و دوم به کشف قواعد علیت با روابط نظام‌مند مدد می‌رسانند (ایران‌نژاد پاریزی: ۱۳۷۸، ج ۱،

ص ۱۸). اندیشمندان برای «تحقیق» از نظر اصطلاحی، تعاریف متعددی ارائه دادند که در اطلاق عام، هر نوع فعالیت جست‌وجوگرانه و کاوش‌گرانه‌ای است که توسط افراد برای پاسخ‌گویی به مسأله‌ای یا کشف مجهولی انجام می‌شود (حافظ‌نیا: ۱۳۸۲، ص ۸) و یا تعاریفی چون مطالعه‌ی حقیقت است، حرکتی است از علم و آگاهی برای رسیدن به آگاهی بیشتر، و یا کشف مجهولات (یوسفی: ۱۳۷۵، ص ۳۷) یا مجموعه اقداماتی که به کمک مشاهدات در جهان ظاهری برای کشف قسمتی از مشخصات جهان حقیقی انجام می‌گیرد (خواجانه‌نوری: ۱۳۵۱، ص ۳) و یا در اطلاق علمی، تحقیق عبارت است از تلاش کاوشگرانه‌ای که با آداب خاصی به‌طور نظام‌یافته با هدف کشف مجهولی به منظور گسترش قلمروی معرفتی نوع بشر است (حافظ‌نیا: ۱۳۸۲، ص ۹). در کنار تعاریف دیگری امثال: کوشش و جست‌وجوی منظم و مدون که هدف از آن یافتن حقیقت و گسترش دانش است؛ تلاشی است علمی و مبتنی بر تفکر و اندیشه برای یافتن پاسخ پرسش یا پرسش‌های معین (یوسفی: ۱۳۷۵، ص ۳۷)؛ اعمال روش‌هایی توأم با طرح و اندیشه که برای کشف حقیقتی به کار می‌رود (قائمی: ۱۳۵۶، ص ۲۷) این تعریف که تحقیق یک عمل منظم که در نتیجه‌ی آن پاسخ‌هایی برای سؤال‌های مورد نظر و مطرح شده در موضوع تحقیق به دست می‌آید و نیز این تعریف که پژوهش فعالیت منظم و مدون است که هدف آن کشف و گسترش دانش و حقیقت است و یا به عبارت دقیق‌تر یک دسته فعالیت‌های منظم که در جهت حل یک مشکل صورت می‌گیرد و این مشکل معمولاً از نوع یافتن چگونگی روابط میان دو یا چند متغیر است (نادری و نراقی: ۱۳۷۴، ص ۳۷) بیش از دیگر تعاریف دارای شمولیت است.

روش‌شناسی علمی بنیان‌های منطقی معرفت استدلالی را توضیح می‌دهند و در نتیجه متضمن توانایی در استدلال منطقی و تحلیل است. روش‌شناسی قواعدی برای تعریف، طبقه‌بندی و نیز استنباط قیاسی، روش‌های نمونه‌گیری و تحلیل را ارائه می‌کنند و معیارهای عینیت و فنون اثبات آن را نیز توضیح می‌دهند (فرنکفورد و نجماس: ۱۳۸۰، ص ۲۴-۲۶).

انتخاب درست و منطقی راه‌های کشف حقایق علمی و یا ارائه‌ی یک طرح تحقیق منسجم و استوار خود نیمی از تحقیق محسوب می‌شود، زیرا بر سرنوشت پژوهش اثر مستقیم و تعیین‌کننده‌ای می‌گذارد

(سریع‌القول: ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۰۰).

روش‌شناسی به بررسی روش‌های شناخت در علوم می‌پردازد که می‌تواند تمامی جوانب شناخت را شامل شود. روش‌شناسی در معنای وسیع کلمه شناخت نظری و عملی روش آشکارسازی واقعیت است (کیوی و کامپنهود: ۱۳۷۰، ص ۲).

سبک یا شیوه و روش لازمه‌ی دانش است و هیچ دانشی بدون روش قابل تصور نیست. نقش اصلی روش‌شناسی کمک به ارتباط میان دانشمندی است که یا در تجربه مشترکی سهیم‌اند یا می‌خواهند سهیم باشند. عمومی کردن قواعد روش‌شناسی به‌منابۀ چارچوبی برای تکرارپذیری و انتقاد سازنده است. تکرارپذیری انجام دادن همان بررسی، دقیقاً با همان روش به دست همان دانشمند یا دیگر دانشمندان است که در برابر خطا یا فریب ناخواسته قرار می‌گیرند (فرنکفورد و نچماس: ۱۳۸۰، صص ۲۳ - ۲۴).

پژوهش تاریخی باید دارای اعتبار و ارزش علمی باشد و برای دست یافتن به این منظور غایی، یک محقق تاریخ یا یک مورخ، از رعایت اصول و مقرراتی ناگزیر است. این اصول و مقررات خاص را «روش تحقیق در تاریخ» و یا «روش تاریخ‌نگاری» می‌نامند.

پژوهش علمی باید از طرح و نقشه‌ای از قبل طراحی شده‌ای پیروی کند که در آن ماهیت، ویژگی و فرایند تحقیق به خوبی تعریف شده باشد. طرح تحقیق سندی است که از مشخصات عمده‌ی تحقیق، برنامه‌ی اجرایی، خطمشی پژوهشی و تلاش‌های پژوهشگر در عرصه‌ی تحقیق سخن می‌گوید و بیانگر همه‌ی مراحل است که محقق برای رسیدن به هدف - از انتخاب موضوع تا ارائه‌ی گزارش علمی - می‌پیماید.

محقق پیش از آن که در میدان سخت تحقیقات تاریخی پا نهد، نیازمند فراهم آوردن زمینه‌ها و مقدمات لازم و نیز برنامه‌ریزی‌های لازم تا بر اساس آن، پژوهش خود را از نقطه‌ای آغاز و در نقطه‌ای دیگر به پایان برساند.

برای تحقق این اهداف پژوهشگر باید به تدوین برنامه و ترسیم نقشه‌ی پژوهشی خود (طرح تحقیق) همت گمارد. بدیهی است این طرح برآمده از مطالعات اولیه محقق است و از علاقه، تخصص و سایر توانمندی‌های پژوهشگر حکایت دارد (همو، ص ۶۲).

طرح پژوهشی متناسب با اهمیت و گستردگی موضوع می‌تواند شامل بخش‌های متعدد زیر باشد: (۱) عنوان یا موضوع تحقیق؛ (۲) طرح مسأله؛ (۳) سؤال اصلی و سؤالات فرعی؛ (۴) چارچوب نظری؛ (۵) فرضیه؛ (۶)

مفروض‌ها؛ (۷) تعریف مفاهیم، متغیرها و ابعاد موضوع؛ (۸) روش تحقیق؛ (۹) هدف تحقیق؛ (۱۰) فایده و اهمیت موضوع؛ (۱۱) سوابق پژوهش؛ (۱۲) حدود و نقطه تمرکز؛ (۱۳) سازماندهی تحقیق؛ (۱۴) منابع.

اولین و بی‌تردید مهم‌ترین اقدام در راه پژوهش علمی انتخاب درست موضوع تحقیق است. انتخاب موضوع، مبدأ آغاز پژوهش است. هر نوع کج‌روی، انحراف یا ناتوانی در انتخاب موضوع، پژوهش را نهایتاً به بیراهه می‌کشاند و از رسیدن به مقصود بازمی‌دارد. این مرحله رکن اصلی هر تحقیق علمی را تشکیل می‌دهد؛ زیرا محقق بر پایه‌ی آن کلیه‌ی فعالیت‌های تحقیقاتی خود را تنظیم می‌کند (همو، ص ۶۳).

موضوع تحقیق (اعم از مقاله، پایان‌نامه، کتاب) تا آن‌جا که ممکن است باید محدود شود؛ چراکه این امر به پژوهشگر امکان می‌دهد که به صورت عمیق‌تر به موضوع بپردازد و ابعاد و جنبه‌های گوناگون موضوع را بهتر مورد کاوش قرار دهد و آسان‌تر و سریع‌تر به نتیجه برسد.

هم‌چنین موضوع تحقیق باید تا حد امکان روشن، شفاف، ساده و بدون ابهام یا پیچیدگی، نو و بکر باشد. مگر آن که پژوهشگر در یافته‌های پیشینیان شک علمی کند و درجه‌ای جدید به موضوع بگشاید و بر دامنه‌ی یافته‌های پیشین بیفزاید و یا آن‌ها را بی‌اعتبار کند.

موضوع تاریخی مدنظر باید علمی و امکان‌پذیر و بر امور واقعی مبتنی باشد و نیز امکان دسترسی به منابع، مدارک و اطلاعات مربوط به موضوع باشد و قطعاً باید به دور از هرگونه تعصبات، پیش‌داوری‌ها، قضاوت‌ها و نگرش‌ها ذهنی پژوهشگر باشد.

بهتر است عنوان پژوهش با مهم‌ترین عبارت آغاز شود و با استفاده از کم‌ترین کلمات بیش‌ترین اطلاعات در اختیار خوانندگان قرار گیرد و تعبیرهای زائد و غیرضروری را حذف شوند (استاپلتون: ۱۳۷۴، صص ۳۷ - ۳۸).

بنا به گفته‌ی یکی از پژوهشگران معاصر یک موضوع مناسب و شایسته تحقیق باید از چهار ویژگی برخوردار باشد: (۱) برای جامعه سودمند باشد؛ (۲) بکر و تازه و دارای یک مسأله و یا یک نکته‌ی ناگشوده باشد؛ (۳) تحقیق درباره‌ی آن ممکن باشد؛ (۴) مورد علاقه محقق باشد (یوسفی: ۱۳۷۵، صص ۴۲ - ۴۳).

تعیین مسأله در یک پژوهش تاریخی به مفهوم آن است که مورخ و محقق نکته‌ای در طرح پژوهش خود بیابد که محرک اصلی و مشترک بین جنبه‌های مختلف موضوع و تلاش‌های آن‌ها باشد. یافتن چنین نکته‌ای مستلزم توجه کافی و احاطه بر محتوای اطلاعات است.

پژوهش تاریخی باید دارای اعتبار و ارزش علمی باشد و برای دست یافتن به این منظور غایی، یک محقق تاریخ یا یک مورخ، از رعایت اصول و مقرراتی ناگزیر است. این اصول و مقررات خاص را «روش تحقیق در تاریخ» و یا «روش تاریخ‌نگاری» می‌نامند

روش پژوهش

روش پژوهش

انتخاب روش انجام تحقیق، بستگی به هدفها و ماهیت موضوع پژوهش و امکانات اجرایی آن دارد. بنابراین، هنگامی می‌توان در مورد روش بررسی و انجام یک تحقیق تصمیم گرفت که ماهیت موضوع پژوهش، هدفها و نیز وسعت دامنه آن مشخص باشد

سؤالات فرعی از تجزیه‌ی سؤال اصلی به دست می‌آیند. شایسته است که سؤالات فرعی برآمده از متن سؤال اصلی و کاملاً مرتبط با آن و در نتیجه مرتبط با موضوع تحقیق باشند و بهتر است تعداد سؤالات فرعی با تعداد فصل‌های یک تحقیق منطبق باشند (سریع‌القول: ۱۳۸۰، ص ۱۰۸).

در پژوهش‌های تاریخی، طرح مقدماتی درواقع فهرستی است از مطالبی که درباره‌ی آن‌ها باید صحبت شود و این کار مستلزم تقسیم موضوع به مباحث کوچک‌تر و تنظیم آن مباحث به صورت ابواب و بخش‌ها و فصول چند است. این کار محقق را قادر می‌سازد به پرسش‌های بسیاری که درباره‌ی موضوع مورد پژوهش در ذهن خود دارد، جواب بدهد.

با طرح مقدماتی، حدود منطقی پژوهش مشخص شده و محقق بر امکانات زمانی و منابع وقوف خواهد یافت. حدود تلاش و انتظارات و امکان یا عدم امکان اجرای پژوهش خود را خواهد شناخت و در نتیجه از اتلاف وقت و تلاش زیاد و گمراهی و سرگردانی محقق جلوگیری به عمل می‌آید.

پژوهشگر پس از تعیین و تنظیم موضوع تحقیق باید در فکر انتخاب روش تحقیق باشد. مراد از انتخاب روش انجام تحقیق این است که مشخص کند، چه روش تحقیقی برای بررسی موضوع خاصی لازم است. انتخاب روش انجام تحقیق بستگی به هدفها و ماهیت موضوع پژوهش و امکانات اجرایی آن دارد. بنابراین، هنگامی می‌توان در مورد روش بررسی و انجام یک تحقیق تصمیم گرفت که ماهیت موضوع پژوهش، هدفها و نیز وسعت دامنه آن مشخص باشد. به سخن دیگر، هدف از انتخاب روش تحقیق آن است که محقق مشخص نماید، چه شیوه و روشی را اتخاذ کند تا او را هر چه دقیق‌تر، آسانتر، سریع‌تر و ارزان‌تر در دستیابی به پاسخ یا پاسخ‌هایی برای پرسش یا پرسش‌های تحقیق مورد نظر کمک کند (نادری و نراقی: ۱۳۷۴، صص ۶۳ - ۶۴).

مرحله‌ی تحلیل، مرحله‌ی اساسی تحقیق است و کار اصلی و خلاقه محقق و مورخ از این‌جا آغاز می‌شود. در این مرحله، پس از مشخص شدن مسأله، به تحلیل آن باید پرداخت. در تجزیه و تحلیل حوادث تاریخ به سه نکته باید توجه داشت: (۱) متن واقعه (۲) علل وقوع رویداد و روابط آن با دیگر وقایع (۳) نتایج و اثرات حاصل از واقعه.

پس در پژوهش، موضوع و یا مسأله را برای تجزیه و تحلیل باید به دست تفکر منطقی سپرد و با یکی از دو طریق زیر به تحلیل آن پرداخت:

بدون شک عنوان با موضوع تحقیق مرتبط است چراکه عنوان پژوهش نخستین مشخصه‌ی معرفی‌کننده‌ی اثر است، و از این رو هرچه عنوان جذاب‌تر، کوتاه و مختصر، زیبا و خوش‌آهنگ، برانگیزنده‌ی ذوق و کنجکاو، گویا و رسا باشد، بهتر است (یوسفی: ۱۳۷۵، ص ۶۸).

پس از انتخاب موضوع، پژوهش‌گر باید به طرح مسأله بپردازد. طرح مسأله چیزی جز تعریف و توضیح موضوع نیست که طی آن محقق در چند سطر به معرفی موضوع می‌پردازد. طرح مسأله از این بابت است که موضوع در آغاز، امری کاملاً ذهنی، انتزاعی و خام است و با طرح مسأله برای مخاطبان قابل فهم خواهد شد. درواقع طرح مسأله حلقه‌ی ربط میان موضوع و سؤالات پژوهش است.

هر پژوهش علمی دست‌کم از متن یک سؤال اصلی برمی‌خیزد که پاسخ گفتن به سؤال اصلی مهم‌ترین دغدغه‌ی پژوهش‌گر محسوب می‌شود. سؤال اصلی محقق را بر آن می‌دارد تا مقاصد و چشم‌اندازهای پژوهشی‌اش را آشکار کند.

معمولاً سؤال اصلی حتی قبل از طرح موضوع و انتخاب آن به ذهن خطور می‌کند و موضوع بر بنیاد آن تدوین می‌شود و لذا می‌توان با اندکی تغییر در موضوع و درواقع با سؤالی کردن موضوع تحقیق سؤال اصلی را استخراج کرد.

طبیعتاً بنا بر ماهیت موضوع سؤال اصلی تحقیق می‌تواند به صورت توصیفی یا تبیینی و تحلیلی مطرح شود. سؤالاتی که چیستی و چگونگی رخدادها را مورد پرستش قرار می‌دهند، سؤالات توصیفی و گاه تبیینی هستند. تحقیق باید ملاک‌ها و شاخصه‌هایی را جهت طراحی مناسب سؤال اصلی دارا باشد چراکه سؤال اصلی باید کل موضوع تحقیق یا دست‌کم بخش بزرگی از آن را پوشش دهد و حتی‌المقدور نو و بدیع باشد و باید بیان سؤالی داشته باشد، و بتوان پاسخ‌های گوناگون و متعددی به آن داد، و ناظر بر روابط علی - معلولی و متغیرهای پژوهش باشد و رابطه‌ی میان پدیده‌های تاریخی موضوع را مورد پرسش قرار دهد.

چنین سؤالی باید به دور از تعصبات و تعلقات غیرعقلانی و غیرعلمی، ساده، روشن، صریح، بدون ابهام و فاقد پیچیدگی‌های لفظی، حتی‌المقدور کوتاه، علمی و عملی باشد (استاپلتون: ۱۳۷۴، صص ۱۸ - ۲۸؛ هومن: ۱۳۷۸، صص ۱۶ - ۱۹).

از آن‌جا که سؤال اصلی سؤالی کلی است، برای پاسخ‌گویی مناسب‌تر و دقیق‌تر، پژوهشگر آن را به چند سؤال خردتر تبدیل می‌کند. درواقع،

۱) روش قیاسی یا تحلیل (Methode deductive): در این روش، استدلال و نتیجه‌گیری از کلی به جزئی است.

۲) روش استقرایی یا ترکیبی (Methode inductive): در این روش، برعکس روش قیاسی، از اجزاء به کل و از اثرات به مؤثر و از معلول‌ها به علت می‌رسند.

در بررسی مرحله‌ی تحلیل به سه نکته‌ی مهم برمی‌خوریم که وجه مشترک جزئیات متشکل عمل تحلیل هستند:

۱) زمان وقوع واقعه را باید به خوبی شناخت و به مکان و موقعیت جغرافیایی و اقلیمی واقعا باید توجه کرد؛

۲) قضاوت در مراحل پژوهش، که به دو گونه صورت می‌گیرد: قضاوت ابژکتیو Objective، قضاوت سوژکتیو Subjective

۳) هرگز زمینه‌ی ذهنی محقق و یا به عبارت دیگر، پیش‌داوری او نباید در قضاوت و کار او دخالت کند.

به نسبت پیشرفت پژوهش و به مقتضای محتوا و چگونگی موادی که به تدریج به دست می‌آید لزوم تغییر در طرح مقدماتی نیز محسوس می‌گردد. این طرح نوین را طرح نهایی می‌گویند.

نگارش، مرحله‌ی آخر در پژوهش تاریخی است که محقق حاصل تحقیقات خود را به صورت منظم به روی کاغذ می‌آورد و آن‌ها را در قالب طرح نهایی خود منظم و آرایه می‌کند. هنر محقق و مورخ، در این مرحله ظاهر می‌شود. در نگارش و تدوین یک تحقیق تاریخی مانند سایر تحقیقات علوم انسانی، رعایت نظام و مقرراتی مخصوص الزامی است.

افزون بر آن چه گفته شد، تدوین و نگارش یک اثر تحقیقی مستلزم رعایت نظام و مقررات دیگری است که بدون رعایت این مقررات، محصول کار محقق جنبه‌ی علمی و تحقیقی خود را تا اندازه‌ای از دست می‌دهد که از مهم‌ترین این مقررات: نشانه‌گذاری در متن، ذکر مأخذ و منابع تحقیقات به صورت پانویسی، ارائه‌ی صورت کلی منابع و مأخذ، تنظیم فهرست‌ها.

تا آغاز مرحله‌ی نگارش، محقق و مورخ کلیه‌ی مدارک لازم و مفید را دیده، خوانده و انتقاد کرده، علل موجبات وقایع را شناخته و به کلیه‌ی جوانب موضوع خود اشراف یافته است. حال می‌توان موضوع را تشریح و حاصل تحقیقات خود را به صورت منظم روی کاغذ آورد و آن‌ها را در قالب طرح نهایی خود منظم و ارائه نماید. هنر محقق و مورخ در این مرحله ظاهر می‌شود. تألیف و نگارش تحقیق از این لحظه آغاز می‌شود.

در هنگام نگارش محقق باید دو اصل را مورد توجه قرار دهد:

۱) انفصال: محقق نباید خودش را مرکز ثقل شرح‌ها و استنتاج‌ها قرار دهد و تعصبات وابستگی فردی حزبی و گروهی خود را در تحقیق دخالت دهد،
 ۲) عینیت: محقق به وقایع عینی توجه داشته باشد نه ذهنی و خیالی.

نتیجه

از آن چه که در این مبحث گفته شد، این نتیجه حاصل می‌شود که یک تحقیق خوب، اصولی، مستند و علمی در تاریخ‌نگاری باید حائز و جامع شرایط و ضوابطی چند باشد:

الف) از نظر روش تحقیق، به‌طور خلاصه باید دارای شرایط زیر باشد:

۱- کیفیت خوب منابع و کمیت لازم و کافی آن‌ها؛ ۲- عدم توجه به

کلیات وقایع رویدادها؛ ۳- توجه به عوامل متن وقایع، به علل و موجبات پیدایش آن‌ها و کشف نتایج و آثار وقایع؛ ۴- بسط و تفصیل هر یک از مباحث به‌اندازه‌ی لزوم؛ ۵- رعایت تسلسل و توالی حوادث مهم انسانی به طور منطقی؛ ۶- عدم پیش‌داوری، و این که قضاوت‌ها همواره بر معیار بی‌طرفی، درستی و اصالت باشد؛ ۷- رعایت امانت در نقل مواد و اخبار.

ب) از نظر سبک و اسلوب نگارش و شکل آرایه: محقق و مورخ در نگارش تحقیق خود ضمن این که اصول دستور زبان و قواعد نگارش ادبی را رعایت می‌نماید، نوشته‌های او باید ساده، روان و بی‌تکلف باشد. ج) از نظر دید فلسفی تاریخ‌نگاری: ۱) یک تاریخ و یک تحقیق خوب و علمی آن است که محقق در حین تحقیق، خود را از قید و بندهای زمان و محیط آزاد کند و اصل مکاتب را برای زمینه‌ی تألیف خود انتخاب نماید.

۲) محقق به وقایع‌نگاری محض که فقط شرح اعمال و کارها و افعال انسانی است، نپرداخته بلکه در تحقیقات خود به اندیشه‌ها و احساسات و دریافت‌ها و عکس‌العمل‌های انسان‌ها و به زندگی و تحولات اجتماع که خود منشأ آثار بسیاری است توجه کامل کرده باشد.

۳) محقق نباید اساس دریافت‌ها و مستنبطات خود را بر جبر علی و دینی محقق گذاشته باشد بلکه به جبر زمان، به نقش شخصیت، به نقش جغرافیا و نقش اقتصاد و فرهنگ نیز باید توجه داشت و بالاخص باید برای اجتماع در تاریخ جایی بس مهم قائل بود.

منابع

- ۱- استاپلتون، پل (۱۳۷۴): شیوه‌ی نوشتن مقالات تحقیقی، ترجمه‌ی محمدرضا ناینیان و محمد آرمند، تهران.
- ۲- ایران نژاد پاریزی، مهدی (۱۳۷۸)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران.
- ۳- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۲)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، ۱۳۷۷ و چاپ دیگر ۱۳۸۲.
- ۴- خواجه نوری، عباسقلی (۱۳۵۱)، روش تحقیق، تهران.
- ۵- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۰)، روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، تهران.
- ۶- فرفرنکفورد، پاوا و دیوید نجماس (۱۳۸۰)، روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه‌ی فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، تهران.
- ۷- قائمی، علی (۱۳۵۶)، روش تحقیق در یک مکتب، قم.
- ۸- کریمی، حسین (۱۳۵۹)، گامی در مسیر شناخت، قم.
- ۹- کیوی، رمون و لوک وان کامپنهود (۱۳۷۰)، روش تحقیق در علوم اجتماعی (نظری و عملی)، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، تهران.
- ۱۰- محدثی، جواد (۱۳۷۵)، روش‌ها، قم.
- ۱۱- نادری، عزت‌الله، و مریم سیف‌نراقی (۱۳۷۴)، روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی، تهران.
- ۱۲- نبوی، بهروز (۱۳۸۲)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، ۱۳۵۰ و چاپ دیگر ۱۳۸۲.
- ۱۳- هومن، حیدرعلی (۱۳۷۸)، راهنمای تدوین گزارش پژوهشی، رساله و پایان‌نامه‌ی تحصیلی، تهران.
- ۱۴- یوسفی، حسینعلی (۱۳۷۵)، آشنایی با روش تحقیق و مرجع‌شناسی، گناباد.